



مجتبی قرایی

روزنامه‌نگار

سرعت تحولات در جنگ نسبتاً یکنواخت یمن، در چند هفته و چند روز گذشته با رشدی قابل توجه همراه بوده است. بخشی از این تحولات به صحنه میدانی جنگ و رونمایی از موشک پیشرفته «برکان ۳» و عملیات‌های ارتش یمن مربوط است و بخش دیگر به اقدامات قابل توجه امارات متحده عربی ـ از میانه تیرماه، امارات متحده عربی که با هدف اخذ امتیازهای اقتصادی به‌ویژه در حوزه بنادر وموقعیت‌های استراتژیک یمن وارد این نبرد شده بود، یکباره اعلام کرد: «بر اساس یک طرح از پیش برنامه‌ریزی شده نیروهایش را از یمن خارج می کند. بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند پشت این تغییر موضع ناگهانی امارات، ایران قرار دارد. در ایران هم چون بسیاری از موارد دیگر منطقه‌ای، تأییش از حصول نتیجه مشخص و موردنظر، هیچ مقام مسئولی حاضر به تأیید یا تکذیب این خبر نشد. با وجود این امانابع خبری عربی در گزارش‌هایی اطلاعات قابل توجهی را منتشر می کردند که به نظر می‌رسید، برخی منابع آگاه به آنها داده بودند. یکی از این اخبار را روزنامه «الاخیار» منتشر کرد و نوشتست که پس از وقوع چند انفجار در بندر الفجیره، یک هیات بلندپایه اماراتی با سه پیشنهاد «بازگشت روابط به حالت عادی»، «تأمین امنیت گذرگاه‌های دریایی برای عبور امن نفت کش‌ها توسط دو کشور» و «آمادگی ابوظبی برای خروج از یمن» به تهران سفر کرد. این روزنامه لبنانی البته تأکید کرده که با وجود رایزنی‌های امارات در تهران و مسکو، ایران حاضر به توافق با امارات نشده است و به گفته اماراتی‌ها می‌توانند همان طور که وارد یمن شده‌اند، از آن خارج شوند. با این حال به نظر می‌رسد اماراتی‌ها علاوه بر خروج از یمن، اقداماتی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که به نظر می‌رسد پاناشی از فاهم‌ها به ایران یاد را قالب اقدامات اعتمادساز امارات قابل ارزیابی است. در همین راستا دیروز، یک منبع مطلع و از سران شورای موسوم به «شورای انتقالی جنوب» فاش کرد که امارات در چارچوب فاهم‌های اخیر با ایران، در حال اصلاح برخی امور صحنه سیاسی در جنوب یمن است. به گزارش فارس، این منبع که خواست هویتش فاش نشود، به وبگاه خبری «عربی ۲۱» اعلام کرد که سران نظامی و سیاسی مهم و عضو شورای انتقالی جنوب که مورد حمایت ابوظبی است، یکی از اهداف امارات در این بازنگری سیاسی خواهد بود. این منبع گفت که این بازنگری در چارچوب تغییر مواضع ابوظبی در یمن و فاهم‌های اخیر امارات با ایران است. طبق گفته این منبع، «اماراتی‌ها به ایرانی‌ها تعهد داده‌اند که صحنه سیاسی در استان‌های جنوب یمن را به شکل سابق بازگردانند». به گفته این منبع، در شورای انتقالی جنوب (که سال ۲۰۱۷ با حمایت امارات تشکیل شده) اختلافات جناحی بالا گرفته و جناح عیدروس الزبیدی (رئیس ششورا) و جناح احمد الملس دبیرکل شورا با هم درگیر هستند. این منبع، سانحه‌رانندگی اخیر برای احمد الملس در استان الشبوه (جنوب یمن) را که در آن سه نفر از خبرنگاران همراهش کشته شدند و خودش جان به در برد، مشکوک دانست و ادعا کرد که یکی از نتایج تعهدات امارات به ایران، هماهنگی اطلاعاتی با حوثی‌ها[انصارالله] در یمن خواهد بود، چرا که امارات بر پرونده امنیتی جنوب یمن اشراف دارد.

امارات چگونه امارات شد؟

در یک دهه گذشته و به‌ویژه در چند سالی که از بحران یمن می‌گذرد، امارات متحده عربی تلاش کرده حداقل در عرصه سیاسی ونظامی خود را بیش از آن چه که هست، نشان دهد. شاید بخشی از این خودبزرگ‌بینی، ناشی از عملیات‌های نظامی ام کشور کوچک عربی در یمن باشد. به هر حال امارات شاید بتواند در سطح سیاسی آن هم به میزان محدود در منطقه نقش آفرینی کند اما در حوزه نظامی، محدودیت‌های گسترده‌ای گریبانگیر شیخ‌نشین‌های اماراتی است. برای شناخت محدودیت‌های امارات متحد عربی، باید نگاهی به چگونگی تشکیل این کشور داشت و همچنین به وضعیت کنونی آن پرداخت.

تأسیس سال ۱۹۷۱

دو دهه پس از پایان جنگ جهانی دوم، بریتانیا که بخش بزرگی از منطقه غرب آسیا را تحت سلطه داشت، مجبور شد اعلام کند

گفت‌وگو

سعیده اسکندری

روزنامه‌نگار

اقدام ایران در به کارگیری ابزارهای قدرت در مواجهه با آمریکا- پس از یک دوره مماشات بی‌دلیل- راهبرد کارزار فشار حداکثری و واشنگتن در برابر تهران را در عمل با مشکلاتی مواجه کرد. در یک‌سال گذشته اصلی‌ترین برنامه آمریکا که بارها از زبان مقاماتش نیز بیان شد، به صفر رساندن فروش نفت ایران بود. در هفته‌های گذشته ایران اثبات کرد که در برابر این تلاش بی‌حرک نخواهد نشست و همه باید هزینه ماجراجویی‌های فرامنطقه‌ای آمریکا را بدهند. آمریکا حالا به دنبال ایجاد یک ائتلاف منطقه‌ای در خلیج فارس است. مقامات آمریکایی گمان می‌کردند این طرح، دو هفته‌ای اجرایی می‌شود اما همچون تمامی طرح‌های ضد ایرانی، جز همراهان همیشگی هیچ کس حاضر به همراهی با این پیشنهاد نشد. در این زمینه «فرهیختگان» با دگانگ سان، استاد انستیتو مطالعات خاورمیانه دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای (چین) و پژوهشگر دانشگاه هاروارد (آمریکا) گفت‌وگو کرده است. وی سردبیر ژورنال آسیایی مطالعات اسلامی وخاورمیانه است وسابقه همکاری با دانشگاه‌های هاروارد، سن آنتونی، آکسفورد، دنور و هنگ کنگ را دارد. حوزه مورد علاقه پژوهشی وی متمرکز بر خاورمیانه است. متن این گفت‌وگو با دگانگ سان را در ادامه می‌خوانید.

+++

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از زمان کسب قدرت در سال ۲۰۱۶، نشان داده به تعهدات بین‌المللی پایبند نیست. وی در هشتم ماه می ۲۰۱۸، به‌طور یکجانبه با برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) خارج شد. از آن زمان تاکنون، ایالات متحده فشارهای خود به‌ویژه از منظر اقتصادی را بر ایران افزایش داده است. این در حالی صورت می‌گیرد که از انس بین‌المللی انرژی اتمی بارها تعهد ایران به برجام را تأیید کرده است. نظر شما در مورد این رویکرد سیاست خارجی دولت ترامپ چیست؟

از زمان وقوع بهار عربی در منطقه خاورمیانه، ایالات متحده آمریکا حضور نظامی و همچنین کمک‌های اقتصادی خود در منطقه خاورمیانه را کاهش داده است. از این روی می‌توان گفت نفوذ این کشور در منطقه خاورمیانه رو به زوال است.



برای تحلیل علت تغییر موضع عجیب امارات متحده عربی در جنگ یمن باید به پیشینه تشکیل این کشور و وضعیت کنونی آن پرداخت

امارات چگونه امارات شد؟

قوای نظامی خود را تا اواخر سال ۱۹۷۱ میلادی از شرق کانال سوئز خارج می کند. بریتانیا برای تداوم سلطه و جلوگیری از اختلافات مرزی در شبه جزیره عربستان و رشد و سلطه جنبش‌های کمونیستی، پیشنهاد تشکیل یک کنفدراسیون از شیخ‌نشین‌هایی را داد که به صورت کشورهای مستقل عمل می‌کردند. این پیشنهاد باعث شد شیوخ خلیج فارس تلاش کنند ایده بریتانیا را برای تشکیل فدراسیونی از امارات به مرحله اجرا درآورند. ۱۷ فوریه ۱۹۶۷ یعنی یک ماه پس از اعلام نظر دولت بریتانیا برای خروج سربازانش از منطقه، شیوخ ابوظبی و دبی با هم ملاقات کردند و اختلاف مرزی بین خود را حل کردند. آنان متفقا طرح ایجاد اتحادیه‌ای از پی‌ریزی کردند و صاحب پرچم، سیاست خارجی، دفاع، امنیت، آموزش و پرورش و بهداشت واحدی شدند. رایزنی‌ها ادامه داشت تا اینکه در دسامبر ۱۹۷۱ شیخ‌های ۶ امارت ابوظبی، دبی، شارجه، عجمان، ام‌القویون و فجیره در دبی تشکیل جلسه دادند و با صدور بیانیه‌ای شکل‌گیری امارات متحده عربی را اعلام و قانون اساسی موقت آن را تصویب کردند. یک‌ماه بعد هم راس الخیمه به این ۶ امارت پیوست. با حضور این هفت‌امارت که تحت سلطه ابوظبی و دبی قرار دارند، امارات متحده عربی تشکیل شد. از همان ابتدای تشکیل امارات متحده عربی، امیرنشینان عرب منازعاتی بر سر میزان تمرکز، تشکیلات اداری و نیروهای مسلح و ترکیب بودجه داشته‌اند که همین امر پیوند این شیخ‌نشین‌ها را تحت فشار قرار داد.

شیخ‌نشین‌های هفتگانه امارات در سال ۱۹۷۲، بر سربیک پیمان به فاهم رسیدند. بر اساس این پیمان، امیر امارات باید هر پنج

سال یک‌بار بر اساس رای‌گیری در یک مجلس سری انتخاب شود و ابوظبی به‌عنوان فرومندیترین امیرنشین این کشور به‌طور مرتب بخشی از درآمدهای خود از فروش نفت را به امیرنشین‌های فقیر دیگر اهدا کند.

امارت‌های امارات

هر یک از این هفت امارت کشور امارات، در مدیریت خود از استقلال کافی برخوردارند، با این حال در ساختار این کشور، یک امیر موروثی به‌عنوان حاکم کشور قرار دارد. در حال حاضر امیر و رئیس دولت امارات شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان است. پایتخت این کشور، شهر ابوظبی است. این امارت با مساحت حدود ۶۷۳۴۰ کیلومتر مربع، ۸۶/۷درصد از مساحت خاک

امارات متحده عربی را دربر گرفته است. پس از ابوظبی، دبی مهم‌ترین شهر امارات است که دارای منابع نفتی نیز هست. بندر دبی یکی از بنادر مهم برای تولیدکنندگان غربی است و بیشتر مراکز مالی و بانک‌ها در این منطقه بندری مستقرند. در سال ۱۹۷۹ در یکی از محله‌های دبی با نام جبل علی یک منطقه آزاد تجاری ساخته شد که به شرکت‌های خارجی اجازه واردات و صادرات بدون محدودیت را می‌داد. باوجود این اهمیت اما نمونه با شروع جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ سرمایه‌داران آزاد تجاری ساخته شد که به شرکت‌های خارجی اجازه واردات و صادرات بدون محدودیت را می‌داد. باوجود این اهمیت اما هر جنگی در منطقه، دبی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه با شروع جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ سرمایه‌داران و تاجران پول‌ها و دارایی‌های خود را از این شهر خارج کردند که باعث شد اوضاع اقتصادی این شهر برای مدتی بحرانی شود اما با دگرگونی فضای سیاسی، دوباره رونق خود را به دست آورد. از سال ۱۸۳۳ میلادی (۱۲۱۲ هجری شمسی) دولت دبی توسط خاندان آل مکتوم اداره می‌شود. شیخ محمد آل مکتوم حاکم فعلی شیخ‌نشین دبی است. او نایب‌رئیس پادشاه امارات متحده عربی، نخست‌وزیر و رئیس مجلس وزیران امارات متحده عربی نیز هست. علاوه بر این دو اسارت، امارت فجیره که در قسمت شرقی شبه‌جزیره عربستان واقع شده و در ساحل دریای عمان قرار دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تنها در سال ۲۰۱۰، بیش از ۱۲ هزار کشتی عبوری از تنگه هرمز، برای سوخت‌گیری از بندر فجیره استفاده کرده‌اند. شارجه چهارمین امارت امارات است که با ۲۵۹۰ کیلومتر (۳/۳درصد) از خاک این کشور را به خود اختصاص داده است. شارجه از سال ۱۹۹۸ به این سو در میان امارات به‌عنوان «پایتخت فرهنگی» مشهور شده‌است. رأس الخیمه، ام‌القیوین و عجمان از دیگر امارت‌های این شیخ‌نشین هستند که البته به‌نسبت سایر امارت‌ها از اهمیت کمتری برخوردارند.

اختلاف شیخ‌نشین‌ها

یکی از عمده اختلافات شیخ‌نشین‌ها، به شکل‌گیری یک ارتش واحد در زمان تشکیل امارات متحده بازمی‌گردد. امارت‌های بزرگ می‌خواستند نیروهای دفاعی خود را حفظ کنند، اما امارات کوچک تمایل به شکل‌گیری ارتش واحد داشتند. با این حال ابوظبی از این امر نخطی کرد و نیروی خود را به پنج برابر نیروهای نظامی دیگر امارات رساند که نهایتاً این مساله در سال ۱۹۷۶ به تشکیل یک ارتش فدرال منجر شد. به این ترتیب سه ارتش مجزا



با فرماندهی جداگانه در غرب، مرکز و شمال و زیرنظر فرزندان ارشد امیران ابوظبی و دبی در رأس الخیمه هستند. علاوه بر این مساله، یک اختلاف ریشه‌ای در قانون اساسی امارات متحده عربی وجود دارد؛ از سال ۱۹۷۱ که قانون اساسی موقت نوشته شد، قرار بود پس از پنج سال از شکل‌گیری امارات در این قانون تجدیدنظر شود، ولی به دلیل اختلافات فراوان، هر پنج سال فقط به تمدید همان قانون پیشین اکتفا می‌شود و اگر روزی قرار باشد که در قانون جدید، اختیارات هر یک از این امارات کم شود، شرایط کاملاً تغییر خواهد کرد. اختلافات شدید سنتی، قبیله‌ای، نژادی، حسادت و رقابت بین شیخ‌نشین‌ها نیز وجود دارد اما در عملکرد تجاری آنها وقتی نمود یافت که بندر دبی در حال شکوفایی بود، و آنها قصد ضربه زدن به آن را داشتند. آنها همیشه برای بقای خود احتیاج به یک دشمن فرضی خارجی دارند که شرایط‌شان را تغییر دهد. حضور نظامی در یمن تا حدودی در چارچوب این راهبرد صورت گرفت.

ساختار سیاسی امارات

بالاترین نهاد سیاسی در کشور امارات، شورای عالی فدرال متشکل از حکام امارت‌های هفتگانه است. این شورا هر چهار سال یک‌بار با شرکت حاکمان امارت‌های هفت‌گانه تشکیل می‌شود. البته ریاست این شورا از ابتدای تشکیل کشور امارات، برعهده حاکم ابوظبی بوده است. تعیین سیاست کلی کشور، انتخاب رئیس ونخست‌وزیر کشور، انتخاب رئیس وقضات دیوان عالی، موافقت با قوانین اتصادی قبل از صدور آن، موافقت با معاهده‌ها و قراردادهای بین‌المللی از اهم صلاحیت‌های شورا است. آرای مردم و شهروندان اماراتی در امور سیاسی امارات هیچ‌گونه دخالتی ندارند. در این ششورا سیاست‌های عمومی و قوانین فدرال تصویب می‌شود و ابوظبی و دبی از حق وتوی قوانین تحت‌بررسی برخوردار هستند. این اصول در مورد شیخ‌نشین‌های کوچک‌تر اعمال نمی‌شود و تمامی قوانین در راستای برنامه‌های دو شیخ‌نشین قدرتمند ابوظبی و دبی تدوین و تصویب می‌شود. با توجه بحق وتوی ابوظبی و دبی در شورای عالی فدرال، انتخاب رئیس‌جمهور عملاً انتخابی با دو گزینه از میان شهروندان ابوظبی و دبی خواهد بود، ضمن اینکه در انتخاب رئیس‌جمهور و معاون او همواره قدرت اقتصادی ابوظبی تأثیرگذار بوده است. در امارات احزاب، فعالان و شخصیت‌های سیاسی برجسته‌ای وجود ندارند.

اعضای مجلس، قوانین مصوبه شورای عالی فدرال که به تصویب شیوخ هفت‌گانه رسیده را مطالعه کرده ولی قادر به تغییر آنها یا صدور رأی در مورد این قوانین نیستند.

مهاجرت بیش از زاد و ولد

از سال ۲/۵ جمعیت امارات متحده عربی رشد صددرصدی را تجربه کرده است. رشد جمعیت از حدود ۴/۵ میلیون نفر به ۹/۵ میلیون نفر، بیش از آنکه به دلیل نرخ رشد موالید در امارات باشد، به مهاجرت اتباع سایر کشورها مربوط است. از جمعیت ۹/۵ میلیون نفری امارات، تنها یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر (۱۱/۴۸ درصد) اماراتی هستند. ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر دیگر این کشور از هند (۲۷/۴۹ درصد)، پاکستان (۱۲/۶۹ درصد)، فیلیپین (۵/۵۶ درصد)، مصر (۴/۲۳ درصد) و سایر کشورها (۲۸/۵۵ درصد) به امارات مهاجرت کرده‌اند. از این مقدار، ایرانی‌ها با جمعیتی نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر، ۴/۷۶ درصد از جمعیت امارات را تشکیل می‌دهند.

سیل مهاجرت به این شیخ‌نشین در نسبت جنسیتی این کشور اثر گذاشته است به نوعی که ۷۲ درصد از ساکنان امارات، مرد ۲۸ درصد مابقی زن هستند. چنین شکافی به خوبی نمایانگر آنست که اکثر مهاجران یا نخواست‌ه یا نتوانسته‌اند خانواده خود را به امارات بیاورند. در میان ۱۷ امیرنشین امارات، ابوظبی پایتخت این کشور، بیشترین جمعیت را در خود جای داده است. این امارت ۶۶ درصد از خاک امارات متحده عربی را دربر گرفته و ۳۵/۷ درصد از جمعیت کشور را در خود سکونت داده است. دبی ۳۴/۷ درصد، شارجه ۱۶/۲ درصد، عجمان ۵/۸ درصد، راس الخیمه ۴/۱ درصد، فجیره ۲/۷ درصد وام القیوین ۰/۹ درصد از جمعیت امارات را در خود جای داده‌اند.

ریشه بحران شیخ‌نشین

بزرگ‌ترین محدودیت برای این شیخ‌نشین، وسعت کم سرزمینی آن است. مساحت این کشور در حال حاضر از مساحت استان خراسان جنوبی ایران نیز کمتر است و این مساله دست شیخ‌نشین‌ها را در هر اقدام ماجراجویانه‌ای محدود کرده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت عدم «عمق استراتژیک» امارات را هر هر نبرد جدی، بازنده خواهد کرد. عمق استراتژیک به فاصله بین خط مقدم با بخش‌های نبرد رزمندگان و مناطق اصلی صنعتی، پایتخت‌ها، قلب کشور و دیگر مراکز اصلی جمعیت و تولیدنظامی اطلاق می‌شود. در هر جنگی نخستین موشک‌ها به سمت دبی و ابوظبی که اصلی‌ترین شهرهای این کشور کوچک هستند روانه می‌شود. جنگ در این کشور، باعث فرار شرکت‌های تجاری می‌شود؛ این اتفاق در جنگ ایران و عراق نیز برای دبی رخ داد. علاوه بر این مساله امارات در جنگ کمتر از چند دهه هزار نیرو دارد. کل جمعیت اماراتی اعم از پیر، جوان، مرد و زن در این کشور، کمی بیش از یک میلیون نفر است. در خوشبینانه‌ترین حالت این کشور توان جمع‌آوری ۲۰۰ هزار نیرو را نیز ندارد. در جنگ یمن یکی از علل عقب‌نشینی امارات، خسارت‌های جانی نیروهایش بود. دلیل دیگر نیز مساله عمق استراتژیک وموشک‌ها و پهپادهای انصارالله بود که می‌توانست به‌راحتی قلب اقتصادی این کشور را نابود کند.

رابطه خوب برخی شیوخ با ایران

اواخر سال گذشته یک اظهارنظر از سوی علی شمخانی دبیر ششورای عالی امنیت ملی نشان داد، برخی شیخ‌نشین‌های اماراتی، موضعی غیرمسمو با ابوظبی علیه ایران دارند. شمخانی گفت که برخی مسئولان اماراتی به تهران پیام‌های سری دوستانه ارسال کرده‌اند. او گفت که در این پیام‌ها سران امارات گفته‌اند که مخالف تنش‌زایی سیاسی و نظامی با ایران هستند. این اظهارنظر باعث شد تحلیلگران مسائل بین‌المللی به بررسی این مساله بپردازند که چه کسانی از امارات برای تهران پیام محرمانه می‌فرستند. آنان با بررسی مبادلات ایران و برخی شیخ‌نشین‌های اماراتی به الحزیه گفتند که شیخ‌نشین‌های الفجیره، الشارجه و دبی، روابط و منافع مستحکمی با تهران دارند و این امارت‌ها از سیاست ابوظبی در قبال ایران راضی نیستند.

دگانگ سان، استاد انستیتو مطالعات خاورمیانه دانشگاه مطالعات بین‌المللی شانگهای و پژوهشگر دانشگاه هاروارد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

واشنگتن در ایجاد ائتلاف علیه تهران نا کام است

کند، این امر نمی‌تواند مشکلی را حل کند زیرا واشنگتن احتمالاً در آینده بهانه‌های دیگری خواهد یافت تا از طریق آنها باز هم به اقدامات تقابلی با ایران دست بزند.

در روزهای اخیر، سطح تنش میان ایران و غرب بار دیگر افزایش یافته است. انگلستان، یک نفتکش ایرانی را در تنگه جبل الطارق توقیف کرده است. مقام‌های انگلیسی این اقدام را در راستای تحریم‌های ایالات متحده علیه سوریه توصیف کرده‌اند. چند روز بعد، ایران هم یک نفتکش انگلیسی را در تنگه هرمز توقیف کرد. ایران اعلام کرده است: «نفتکش توقیف‌شده انگلیسی مقررات دریاوردی بین‌المللی را نقض کرده است.» این گونه به نظر می‌رسد که آمریکا، انگلستان را وارد طرح‌های خود علیه تهران کرده است. نظر شما در این رابطه چیست؟

دولت ترامپ سعی می‌کند یک ائتلاف جهانی علیه ایران را تشکیل دهد. با این حال، تاکنون کشورهای کمی به این ائتلاف پیوسته‌اند. چین، روسیه، هند و ترکیه جانب ایالات متحده را نگرفته‌اند، حتی متحدان نزدیک آمریکا نظیر آلمان، فرانسه، ژاپن و کره جنوبی نیز ملاحظات سیاسی خاص خود را دارند و با آمریکا همراهی کامل ندارند. با توجه به آنچه تاکنون شاهد بوده‌ایم، فقط انگلستان مایل به پیروی از ایالات متحده آمریکا است و سعی می‌کند دولت ترامپ را در تلاشش برای محدودسازی ایران، همراهی کند.

نظر شما در مورد احتمال وقوع جنگ میان ایران و آمریکا چیست؟

نه ایران و نه آمریکا، آماده مواجهه نظامی با یکدیگر نیستند، زیرا جنگ میان این دو کشور تبعات گسترده‌ای را به دنبال خواهد داشت. سیاست دولت ترامپ در رابطه با ایران، تحت تأثیر ملاحظات وی در مورد انتخابات ریاست‌جمهوری

آمریکا در سال ۲۰۲۰ قرار دارد. قبل از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا، ترامپ ریسک اقدام نظامی علیه تهران را به‌عنوان گزینه جدی در نظر نمی‌گیرد. ایران یک قدرت سیاسی و اقتصادی است و جنگ آمریکا علیه ایران، جنگی پرهزینه برای آمریکا خواهد بود.

راه‌حل منطقی برای تخفیف تنش‌ها میان ایران و آمریکا چیست؟ آیا شما فکر می‌کنید اساساً یک چنین راه‌حلی وجود دارد؟

گفت‌وگوی منطقی و فارغ از مناسبات قدرت میان ایران و آمریکا تنها راه برای تخفیف تنش‌ها میان ایران و آمریکا است، اما نه گفت‌وگو تحت فشار. این موضوع، نه‌فقط در راستای منافع ایران و آمریکا، بلکه در راستای منافع کل کشورهای منطقه خلیج فارس و همچنین دیگر قدرت‌هاست. در غیر این صورت، آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس باید خسارات زیادی را متحمل شوند. در قدم اول، آمریکا و ایران باید اعتماد متقابل را تقویت کنند و ظرفیت‌های خود را پیشگیری از بروز بحران و منازعه را فعال سازند. در قدم دوم، ایالات متحده آمریکا بار دیگر باید به برجام بازگردد. برجام در راستای منافع تمامی طرف‌ها است. در قدم سوم، ایران و آمریکا باید یک ساختار امنیت دسته‌جمعی را در منطقه خلیج فارس ایجاد کنند که امنیت دریاوردی در خلیج فارس و همچنین جریان ثابت صادرات نفت را نیز تضمین کند. در نهایت، ایران و آمریکا باید فارغ از گفتن قدرتی که تهران معتقد است واشنگتن درصدد است بر این کشور اعمال کند، در موضوعاتی نظیر یمن و سوریه و… با یکدیگر گفت‌وگو کنند.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب امیر عبوض زاده گرگری فرزند ولی به شماره شناسنامه ۱۶۸۸ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کشاورزی (جوبشناسی و صنایع چوب) صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۴/۳۵۰۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از پابنده تعاقباتی می باشد مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی شهر، تقاطع بلوار شهید مؤذن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.